

تحلیل تجارب موفق در حوزه حکمرانی مردم پایه: استکبار ستیزی ملت ایران از پیروزی تا گام دوم انقلاب اسلامی

بهزاد قاسمی^۱

چکیده

نهضت اسلامی و انقلاب به رهبری امام خمینی (ره) آغاز شده و علاوه بر مبارزه با استبداد داخلی، مهم‌ترین راهبرد مبارزاتی خود را در راستای استکبار ستیزی و مبارزه با استکبار غرب و شرق قرار داد. انقلاب اسلامی با طرح سیاست و دیپلماسی نه شرقی نه غربی، نظم و ترتیب قدرت‌های استکباری را برهم زده و تمام مستضعفان عالم را برای مبارزه با استکبار جهانی دعوت کرد. با این وصف انقلاب اسلامی با پیروزی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران سیاست مبارزه با استکبار جهانی و حمایت از مسلمانان و مستضعفان عالم را در برنامه خود قرار داد. انقلاب اسلامی گرچه در حمایت از مظلومان و مبارزه با مستکبران دستاوردهایی داشته از سوی دیگر در عرصه داخلی با موانع و چالش‌هایی مواجه بوده که از سوی قدرت‌های استکباری ایجاد شده است. مقاله حاضر پیامدهای منفی (چالش‌های داخلی و پیامدهای مثبت (دستاوردهای) خارجی و منطقه‌ای استکبار ستیزی انقلاب اسلامی را از آغاز نظام جمهوری اسلامی تا گام دوم انقلاب اسلامی به صورت مسئله در این تحقیق مطرح کرده است. حال در اینجا سوالی که طرح می‌شود این است که پیامدهای استکبار ستیزی انقلاب اسلامی در عرصه داخلی و خارجی چه بوده و مصادیق آن کدامند؟ قدرت‌های استکباری در راستای منافع و سلطه خود همواره ایران را با چالش‌هایی مواجه کرده و تا کنون نیز ادامه دارد. گفتنی است که، انقلاب اسلامی در عرصه استکبار ستیزی دست از آرمان خود بر نداشته و دامنه و گستره آن را توسعه داده است. این فرضیه در مقاله بر اساس روش توصیفی-تحلیلی بررسی و تبیین شده است. یافته‌های مقاله بیانگر این است که، ماهیت استکبار ستیزی انقلاب اسلامی سبب شده قدرت‌های استکباری و نظام سلطه جهت

تضعیف گفتمان انقلابی و براندازی نظام جمهوری اسلامی، ایران را با انواع چالش‌های سخت و نرم «کودتا، ترور، جنگ، تحریم، نفوذ» مواجه کنند. استکبار از انواع متغیرهای سیاسی، نظامی - امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و با مکانیسم و اهرم‌های مختلف در صدد براندازی بوده که در هر مرحله به شکست انجامیده و موفق نشده است. امروزه با گذر از چله نظام جمهوری اسلامی، دستاوردهای انقلاب اسلامی علاوه بر سطح داخلی در عرصه جهان اسلام و عرصه بین‌الملل «مقاومت و سلطه ستیزی» با موفقیت همراه بوده که در نوشتار حاضر به آن اشاره شده است.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، استکبارستیزی، گام دوم انقلاب، حمایت مستضعفین.

۱- مقدمه

نفی سلطه در داخل مترادف نفی استبداد و در خارج مساوی با نفی وابستگی/استکبار ستیزی به قدرت‌های بزرگ سلطه‌گر و رهایی از سیاست‌ها و اهداف استعمارگرانه آن‌ها بود. برای کسب استقلال، باید از لحاظ فکری و اندیشیدن مستقل بود. امام خمینی(ره) به عنوان رهبر انقلاب، از جمله راهکارهای مستخرج از آموزه‌های دینی را مواجهه با سلطه‌جویی مستکبرین و قیام و ایستادگی در برابر ظلم و ستم دانست. ایشان، با توسل به «اصل توحید» بر این باور بود که «انسان، تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم شود و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر این که اطاعت او اطاعت خداوند باشد» (امام خمینی، ۱۳۶۹: ج ۴: ۱۶۶). بر این اساس، محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی به عنوان یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مطرح شد. تشکیل حکومت مبتنی بر قواعد و قوانین اسلامی و استقلال واقعی از بیگانگان سهم والایی در اظهارات ایشان داشت. امام(ره) با تأکید بر استقلال بر این باور بودند «ارزش حیات به آزادی و استقلال است» (امام خمینی، ۱۳۶۹: ج ۴: ۱۱۴). امام(ره) می‌فرمایند: «ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه‌های آن مکتب در دو کلمه «لا تظلمون و لا تظلمون» خلاصه می‌شود. ایشان بیان می‌دارد که زیر بار سلطه نرفتن، نیاز به عدم وابستگی به ساختاری‌های قدرت سلطه‌گر و نیز عدم تعهد به قدرت‌های مستبد می‌باشد. می‌فرمایند: مسلمانان تحت سلطه کفار نباشند. خدا برای هیچ یک از کفار، سلطه بر مسلمانان قرار نداده است و نباید مسلمانان این سلطه کفار را قبول کنند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۴، ۶۸-۳۶).

یکی از اهداف انقلاب اسلامی که مستخرج از اسلام است، نفی سلطه و مبارزه در برابر استعمار و استکبار و ترویج عدالت خواهی در سراسر جهان می باشد. این امر را می توان از ماهیت فطری و فرا مذهب و دینی انقلاب اسلامی دانست. که درصدد ترویج و صدور ارزش های عدالت خواهی و سلطه ستیزی می باشد. امام خمینی (ره) می فرمایند: «تکلیف ما این است که با ظلم مبارزه کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۲، ۹۲-۹۳). در واقع ظلم ستیزی محدود به مذهب، دین و کشور خاصی نیست و می تواند در ایران، در کشور اسلامی و یا آمریکای لاتین باشد.

اکنون این مقاله به دنبال پاسخ دهی به این سوال است، که پیامدهای استکبار ستیزی انقلاب اسلامی در عرصه داخلی و خارجی چه بوده و مصادیق آن کدامند؟ قدرت های استکباری در راستای منافع و سلطه خود همواره ایران را با چالش هایی مواجه کرده و تاکنون نیز ادامه دارد. گفتنی است که، انقلاب اسلامی در عرصه استکبار ستیزی دست از آرمان خود بر نداشته و دامنه و گستره آن را توسعه داده است. این فرضیه در مقاله بر اساس روش توصیفی-تحلیلی بررسی و تبیین شده است. یافته های مقاله بیانگر این است که، ماهیت استکبار ستیزی انقلاب اسلامی سبب شده قدرت های استکباری و نظام سلطه جهت تضعیف گفتمان انقلابی و براندازی نظام جمهوری اسلامی، ایران را با انواع چالش های سخت و نرم «کودتا، ترور، جنگ، تحریم، نفوذ» مواجه کنند. استکبار از انواع متغیرهای سیاسی، نظامی - امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و با مکانیسم و اهرم های مختلف در صدد براندازی بوده که در هر مرحله به شکست انجامیده و موفق نشده است. پس از پیروزی نهضت امام خمینی جمهوری اسلامی و دولت اسلامی یکی از اهداف این انقلاب بود. بیداری اسلامی و بیداری معنوی در سرتاسر جهان اهداف بعدی این انقلاب را شکل می داد. به همین جهت اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حمایت از مسلمانان، مستضعفان و مظلومان عالم در برابر قدرت های مستکبر است.

۲- پیامدهای منفی (چالش های) داخلی استکبار ستیزی

شعار نه شرق و نه غرب «استقلال طلبی» که یکی از مطالبات اصلی و اساسی انقلابیون بود پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی به اصل کلی و ثابت در سیاست خارجی کشور تبدیل شد و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل نه شرقی - نه غربی به نقشه راه و راهنمای عمل سیاست خارجی شد. ساختار نظام بین المللی مسلط در دوران انقلاب نظامی دو قطبی بود که آمریکا و

شوروی به عنوان دو ابر قدرت دو قطب این نظام را تشکیل می دادند. تأکید انقلاب اسلامی بر شعار «استکبار ستیزی» علاوه بر اینکه تأکیدی بر استقلال کشور و نشان دهنده راهی جدید برای انقلاب ها و جنبش های ملی در عرصه جهانی بود (صالحی، ۱۳۹۰: ۱۴۰). ایدئولوژی انقلاب اسلامی بیانگر ارائه طرح و راه جدید به ملت های استعمار زده جهان برای کسب استقلال و رهایی و ساختن جامعه آزاد و توسعه یافته است. در این میان کسب استقلال که از عناصر تشکیل دهنده ایدئولوژی انقلاب اسلامی است، یک پیش شرط لازم برای دست یابی به جامعه آرمانی مورد توجه انقلاب اسلامی است. تحولات تاریخ معاصر جهان نشان داده است که انقلاب هایی که پس از پیروزی راه مماشات با دولت های استعمارگر بدون عزم جدی برای جلوگیری از نفوذ دوباره آن ها در پیش گرفته اند سرانجام استقلال و دست یابی به توسعه را فدا کرده اند. به طور کلی، ایدئولوژی انقلاب اسلامی از نظر مبنا یک ایدئولوژی درونزا و دارای اصالت است فرهنگی و از نظر همراهان بسیار فراگیر و در برگیرنده بیشتر نزدیک به همه مرم بوده است (ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۲۹۰).

مبارزه با استکبار جهانی، به ویژه آمریکا، و از بین بردن اسرائیل در زمره عناصر هویتی و اهداف ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به شمار می آیند. لذا کوتاه آمدن در این حوزه، دست کشیدن از مبارزه و حرکت به سوی سازش، موجب خدشه دار شدن مشروعیت نظام و قلب ماهیت انقلاب اسلامی می گردد. به علاوه اینکه سیاست خارجی ایران، سعی دارد با ایجاد انگیزه و وحدت میان ملت ها و دولت های ستمدیده به این مهم دست یابد، اذاً، این هدف، بعد منطقه ای و حتی جهانی دارد.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با شعار « نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی » این کشور که از هم پیمانان غرب و آمریکا در منطقه بود به مهم ترین مخالف سیاست های آمریکا تبدیل شد. در واقع در نظام دو قطبی آن روز، انقلاب راه سومی را برگزید که این راه مخالف ایدئولوژی های سوسیالیسم و لیبرالیسم بود. بعد از فروپاشی نظام کمونیستی در شوروی آمریکایی ها تنها رقیب ایدئولوژیک خود را جمهوری اسلامی ایران می بینند. نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی و طرح و تثبیت ساختار سیاسی از زمان تاسیس تا رحلت بنیانگذار انقلاب اسلامی همواره در حال تکامل ساختار سیاسی خود بوده است، از نشانه های این موضوع مسئله بازنگری قانون اساسی بود که در دوره پایانی حیات امام شروع شده و بعد از رحلت امام خمینی (ره) به همه پرسى گذاشته شد. در قانون اساسی

بازنگری شده بر اساس تجربه ده ساله تغییراتی را ایجاد کرده و برخی اضافات را نیز داشتند. همچنین موضوع بحران جانشینی نیز حل و فصل شده بود. علاوه بر این موضوع موانع و بحران‌های داخلی و خارجی انقلاب اسلامی که همواره اصل نظام و موجودیت گفتمان انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را تهدید می‌کرد؛ یکی پس از دیگری از موانع و بحران‌ها عبوره کرده و به ساختار سیاسی خود استحکام بخشید. در این بخش بصورت مختصر برخی از مهمترین تحولات تاریخی اشاره خواهد شد.

۲-۱- **حمله استکبار به ایران و واقعه طبس:** آمریکا پس از واقعه تسخیر لانه جاسوسی، با مطرح کردن محصره اقتصادی در پی القاء این فکر بود که آمریکا قصد حمله نظامی به ایران را ندارد ولی یک ماه پس از فتح لانه جاسوسی، مرحله آماده سازی کماندوهای امریکایی در آمریکا و مصر به مدت پنج ماه انجام شد و سپس در چهارم اردیبهشت ۵۹ تعداد شش فروند هواپیمای ۱۳۰-۵ و نود کماندوی آموزش دیده راهی ایران شدند تا به همراه ۸۰ هلی کوپتر راهی طبس گردند که در آنجا گرفتار طوفان شن شدند و در انجام عملیات ناکام ماندند (حسین زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۰). تلاش‌های نا فرجام پس از تسخیر سفارت پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹، شکست نظامی آمریکا در صحرای طبس است. این حمله نظامی تلاش برای آزادی گروگان‌های سفارت بود که با وضع خفت باری شکست خورد. شکست ایالات متحده در این عملیات، حمله فیلداران ابرهه را به خانه کعبه در اذهان زنده می‌کند. لشگریان ابرهه، همچون نیروهای متجاوز آمریکایی، از فراوانی قدرت و شوکت، تصور نمی‌کردند کسی بتواند مانع حمله آنها به خانه کعبه شود، ولی آن هنگام که به سوی کعبه هجوم آغاز کردند، به فرمان خداوند متعالی پرنده‌گانی در آسمان ظاهر شدند و سنگ‌هایی که در منقار داشتند، بر سر فیل سواران فرود آوردند و بدین وسیله، کافران یکی پس از دیگری به هلاکت رسیدند. در پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹ نیز دانه‌های ریز شن، دسیسه بزرگ آمریکا را فرو شکست. تلاش استکبار از حمله به ایران، بیشتر روی افزایش فشار تدریجی، فشار اقتصادی به ایران و تلاش برای مذاکرات مستقیم و غیر مستقیم به منظور رهایی گروگان‌ها متمرکز شد (شاه ولی، ۱۳۸۵: ۲۵۷).

دخالت نظامی آمریکا به شکست انجامید، کوششی برای رها سازی گروگان‌های آمریکایی بود که در جریان تسخیر لانه جاسوسی، به دست دانشجویان پیرو خط امام به دام افتاده بودند. این اقدامات آمریکا، به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی صورت می‌گرفت؛ انقلابی که ایران را از نفوذ آمریکاییان بیرون

آورد. منابع نفت، موقعیت حساس ایران به علت داشتن مرزهای طولانی با شوروی سابق، خریدهای سرسام آور تجهیزات نظامی، داشتن نقش مثبت در مسئله اعراب و اسرائیل و دلایل فراوان دیگر، ایران را به عنوان سودمندترین کشور برای آمریکاییان در آورده بود. با پیروزی انقلاب، طبیعی بود که آمریکا برای بازگرداندن آب رفته به جوی، دست به هر اقدامی بزند که انجام شبه کوتای نظامی در طیس، یکی از آنان بود.

۲-۲- استکبار و بنی صدر: روز ۵ بهمن ۱۳۵۸ به فاصله یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اولین انتخابات ریاست جمهوری در ایران برگزار شد. این انتخابات در آن زمان، در شرایطی برگزار شد که دولت موقت مهندس مهدی بازرگان استعفا داده و مدیریت نظام به شورای انقلاب محول شده بود. گمانه‌زنی‌ها درباره کاندیداهای احتمالی این انتخابات که سیستم جمهوری را رسمیت می‌بخشید، از ماه‌ها قبل آغاز شده بود اما در تاریخ ۴ دی ماه ۱۳۵۸ بود که برای اولین بار روزنامه کیهان در گمانه‌زنی‌های خود در مورد کاندیداهای احتمالی از بنی صدر، قطب‌زاده، بازرگان و غلامحسین صدیقی به عنوان داوطلبان شرکت در انتخابات ریاست جمهوری نام برد. بنی صدر به عنوان اولین رئیس جمهور ایران تحت سلطه و نفوذ استکبار قرار گرفت که بعد از عدم کفایت مجلس برکنار شد.

۲-۳- ترور انقلابیون با هدف براندازی نظام توسط استکبار: ترور علیه رهبر انقلاب اسلامی و ثورسین و گروه‌های انقلابی از زمان شروع نهضت بوده ولی با پیروزی انقلاب اسلامی و به خصوص در دهه ۶۰ سرعت و وسعت زیادی به خود گرفت که از این طریق انقلاب اسلامی را به بن بست رسانده و سرنگون کنند. در این برهه حجم عظیمی از ترورها و کشتارها به جمهوری اسلامی تحمیل شد، خسارت‌هایی را متوجه نظام تازه تاسیس جمهوری اسلامی کرد اما باعث توقف پیشرفت آن نشد. سپهبد قرنی از اولین اقدامات تروریستی استکبار بوده و ترور استکباری آمریکا در عراق و شهادت سپهبد سلیمانی جدیدترین آن است.

۲-۴- استکبار و کودتای نوزده: هرچند طرح این کودتا قبل از واقعه تسخیر در دستور کار دولت مردان آمریکایی قرار داشت ولی واقع تسخیر، آمریکا را در انجام این عملیات مصمم نمود. ستاد فرماندهی کودتا، متشکل از عناصر سیاسی و نظامی رژیم گذشته بود آنان قصد داشتند تا اهداف و مراکز مهمی در تهران از جمله بیت امام، فرودگاه مهرآباد، نخست وزیر، ستاد مرکزی سپاه و کمیته‌های انقلاب

اسلامی، پادگان ولی عصر و امام حسین (ع) و... را هدف بمباران قرار داده و با اشغال مراکز مهمی چون صدا سیما، ستاد ارتش، پادگان قصر و جمشیدیه و... عملاً حکومت را سرنگون نمایند. این طرح به وسیله یک خلبان وطن دوست و مومن افشا شد و خنثی گردید (حسین زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۰).

با رسیدن هواپیماها به تهران قرار بود بیت حضرت امام (ره)، فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب، پادگان ولی عصر (عج)، پادگان امام حسین (ع) و چند نقطه مهم دیگر بمباران شود. چند نقطه مهم دیگر بمباران شود. پس از بمباران‌های هوایی، هواپیماها باشکستن دیوار صوتی به نیروی زمینی علامت می‌دادند که مرحله دوم کودتا را آغاز کند.

از اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آمریکا تلاش گسترده‌ای را برای به سازش کشاندن انقلاب یا سقوط آن آغاز کرد. جمهوری اسلامی ایران در تاریخ پنجم فروردین سال ۱۳۵۸ با خروج از پیمان نظامی «سنتو» اعلام کرد که دیگر حافظ منافع آمریکا در منطقه نیست. آمریکا، به دلیل اطلاعات و تحلیل‌های غلط تصور می‌کرد قادر است در اندک زمانی رویدادهای ایران را همچون دوران پهلوی در اختیار بگیرد؛ بنابراین به انواع حیل‌ها علیه جمهوری اسلامی متوسل شد که یکی آنها، کودتای پایگاه هوایی شهید نوژه بود (فوزی، ۱۳۴ و محمدی، ۱۳۹۲). در دی ۱۳۵۸ یکی از هواداران شاپور بختیار، به نام مهندس قادسی، نمودار سازمانی را تهیه کرد و نام آن را نقاب گذاشت، نام نقاب جمع حروف اول «نجات قیام انقلاب بزرگ» بود و سازمان دارای شورایی شامل مسئول تهران، مسئول امور شهرستان‌ها، مسئول امور وزارتخانه‌ها، مسئول امور دانشگاه‌ها، انتشارات و تبلیغات، مسئول امور ایلات و مسئول امور چریکی بود. از نظر مسئولان نقاب، فتح تهران مساوی با پیروزی در سراسر کشور بود و با تصویری که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ داشتند فکر می‌کردند با سقوط تهران همه کشور تسلیم آنها می‌شوند. که این کودتای استکباری پیش از آغاز خنثی شد.

۲-۵- جنگ عراق علیه ایران توسط استکبار: زمینه‌های حمله عراق به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ طولانی‌ترین جنگ را در منطقه پس از جنگ‌های صلیبی سبب گردید. این جنگ که قرار بود بر اساس محاسبات عراق ظرف ۳ الی چند هفته به انجام خود برسد؛ بیش از ۹۶ ماه را پشت سر گذارده که این رقم به تنهایی ۲۷ بار طولانی‌تر از تمامی جنگ‌های میان اعراب و اسرائیل می‌باشد. در هنگام شروع جنگ نظام جمهوری اسلامی در سطح جهانی از سوی افکار عمومی ساخته تبلیغات جهانی؛

نظامی اخلاک‌گر و مغایر با سیاست‌های رسمی بین‌المللی معرفی شده بود. به عبارت دیگر استکبار جهانی زمینه را برای بسر عقل آوردن این عصیانگر و ادب کردن این حکومت هنجار شکن فراهم کرده بود. در زمینه رویدادهای داخلی نیز؛ وقایع بگونه‌ای سیر می‌کرد که در ذهن ناظران خارجی بیش از هر چیز تشنت و از هم پاشیدگی و ضعف و سستی را القا می‌کرد و طماعان آنان را به طمع می‌انداخت. در صحنه سیاست داخلی؛ تشنت و چندگونگی آرا در حد نهایت خود جلوه می‌کرد. سقوط دولت موقت؛ اختلافات و جهت‌گیریهای داخلی را پایان نداد بلکه آنها را در مسیر تازه‌ای قرار داد. در مجموع گروهی از دولت مردان و سیاست‌مداران پیرامون اولین ریاست جمهوری گرد آمدند و گروهی دیگر حول روحانیت در صحنه؛ بویژه دکتر بهشتی؛ دبیر کل حزب جمهوری اسلامی که سرانجام جان خود را بر سر این راه گذاشت؛ جمع شدند. سایر فرقه‌ها و گروه‌های قابل ذکر و تمامی امکانات سیاسی - روانی نیز به همین گونه دوباره جمع شده بودند و در چشم ناظران خارجی؛ و آگاهان داخلی؛ همه چیز حاکی از يك اختلاف و تفرقه عظیم سیاسی بود.

استکبار جهانی؛ غرب به محوریت آمریکا و شرق به محوریت شوروی، با توجه به نگرانی‌های خاص و ویژه‌ای که هر کدام در برخورد با انقلاب اسلامی داشتند، تنگناها، محدودیت‌ها و فشارهایی را بر این نظام تحمیل نمودند.

۶-۲- استکبار و فعالیت تجزیه طلبی ایران: پس از پیروزی انقلاب در ایران مجموعه دستگاه‌های سیاسی، تبلیغاتی، امنیتی، حقوقی و اقتصادی غرب به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه انقلاب اسلامی بسیج شدند. از فردای پیروزی انقلاب یعنی ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ تحركات تجزیه طلبانه آغاز گشت. اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد دولت آمریکا در ابتدای پیروزی انقلاب نسبت به پیشبرد طرح‌های تجزیه طلبانه در ایران به عنوان یکی از راه‌های تضعیف نظام جمهوری اسلامی بی‌تأمیل نبوده است. در یکی از اسناد به دست آمده از سفارتخانه آمریکا، در تهران تأمیل به استفاده از ظرفیت قومیت‌ها جهت سرنگونی نظام جمهوری اسلامی به خوبی بازتاب یافته است.

۷-۲- تحریم آمریکا در سرآغاز انقلاب اسلامی ایران: اول خرداد ۱۳۵۹ اولین باری است که دولت آمریکا بر ضد حکومت نوپا و انقلابی ایران به طور رسمی مجموعه اقدامات تنبیهی و به زبان ساده‌تر تحریم‌های اقتصادی را اعمال کرد. هرچند پیش از این نیز، تحریم‌های آمریکا علیه ایران تنها چند ماه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد. در آبان ۱۳۵۸ (نوامبر ۱۹۷۹) اولین تحریم ایران با امضای جیمی کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا (۱۹۸۱-۱۹۷۷) اجرایی شد. دولت آمریکا بر اساس این مصوبه واردات نفت خود از ایران را ممنوع اعلام کرد. هنوز ۱۰ روز از ابلاغ این تحریم نگذشته بود که دستورالعمل اجرایی دیگری به شماره ۱۲۱۷۰ ابلاغ گردید و آمریکا بر اساس آن، همه سپرده‌ها و دارایی‌های دولت و بانک مرکزی ایران در آمریکا را مسدود کرد. تحریم‌های ضد ایرانی از آن تاریخ تاکنون چندین بار درگیر فراز و فرود و گسترش دامنه اجرایی شد. آمریکا در سال ۱۹۸۰ تحریم‌های اقتصادی وسیعی را در واکنش به تسخیر لانه جاسوسی در تهران علیه ایران وضع نمود. دولت آمریکا پس از آنکه تمامی راه‌های سیاسی و نظامی ممکن برای واداشتن ایران به آزادسازی جاسوسانش در تهران را تجربه کرد، حربه تازه‌ای به نام محاصره اقتصادی را علیه جمهوری اسلامی ایران به کار گرفت و در روز اول خرداد ۱۳۵۹ رسماً آغاز حصر اقتصادی علیه ایران را اعلام نمود. اولین تحریم اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۸۰ در واکنش به گروگانگیری سفارت آمریکا انجام گرفت. این تحریم قرارداد فروش صدها میلیون دلار تجهیزات نظامی را که در زمان محمدرضا پهلوی به امضا رسیده بود، لغو و فروش تجهیزات نظامی به جمهوری اسلامی ایران را غیر قانونی نمود، ۱۲ میلیون دلار دارایی‌های دولت ایران در آمریکا را مصادره نمود و کلیه مبادلات تجاری بین ایران و آمریکا را ممنوع کرد. همچنین دولت ایالات متحده کلیه مناسبات دیپلماتیک خود با جمهوری اسلامی ایران را قطع نمود.

۸-۲- تجاوز ناو آمریکایی علیه هواپیمای مسافربری ایران: در صبح روز یکشنبه دوازدهم تیرماه ۱۳۶۷ بر فراز آب‌های خلیج فارس، یکی از تلخ‌ترین سوانح هوایی، توسط نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا به وقوع پیوست. پرواز مسافربری تهران - دوبی با شماره ۶۵۵ ایران ایر پس از توقف در بندرعباس به حرکت خود به سمت دوبی ادامه داد، اما این پرواز به دلیل اصابت دو موشک هدایت شونده ریم-۶۶ از ناو «وینسنس» آمریکا به مقصد نرسید و در خلیج فارس سقوط کرد. از ۲۹۰ سرنشین این هواپیما، ۶۶ نفر کودک، ۵۲ نفر زن، ۱۷۲ نفر مرد و ۳۶ نفر اتباع یوگسلاوی، هندوستان، پاکستان، ایتالیا، شارجه و دوبی بودند.

براساس گزارش‌ها و مستندات گوناگون، در صبح همان روز، ناو وینسنس در پی یک ماجراجویی نظامی وارد حریم آب‌های داخلی ایران شده بود. ماجرا از صبح همان روز آغاز شده بود. در ساعت ۶:۳۰ صبح،

ناو مونتگمری که در حال ورود به تنگه‌ی هرمز بود، شش قایق سپاه پاسداران را در نزدیک جزایر هنگام و ابوموسی شناسایی کرده بود که نزدیک به یک نفتکش لیبرایی به مقصد کویت قرار داشتند. ناو مونتگمری در این هنگام از ناو وینسنس می‌خواهد که یک چرخ بال برای شناسایی به آن منطقه اعزام کند. در این زمان مانور قایق‌های جنگی ایران یک عملیات متداول بدون درگیری نظامی و بازرسی قانونی از کشتی‌های در حال عبور بود. با این حال، در ساعات بعدی، چرخ بال مزبور وارد درگیری با قایق‌های ایران در آب‌های ساحلی جزیره ابوموسی شد. از آن سو، «وایل راجرز»، فرمانده ناو وینسنس، که در بین نظامیان آمریکایی به مرد دست به ماشه معروف بود و پایبند به قوانین جنگی نبود، به بهانه حمایت از چرخ بال خود، وارد آب‌های داخلی ایران شده و اقدام به شلیک توپ به سوی قایق‌های ایرانی می‌کند (هری بین، ۱۳۸۷: ۵۲).

۹-۲- مسأله هسته‌ای ایران: یکی دیگر از مسائل که فضای امنیتی خاورمیانه را دستخوش تغییر و تحولات امنیتی نموده است، مسأله هسته‌ای ایران است. در این راستا، آمریکا و غرب با تسلیحاتی نشان دادن فعالیت صلح‌آمیز ایران سعی کرده‌اند که فضای امنیتی را متشنج نمایند و از این طریق، منافع خود و اسرائیل را با روی آوردن کشورهای منطقه به همگرایی منطقه‌ای تأمین نمایند. صرف نظر از صدق یا کذب بودن این ادعا، آنچه که در عمل اتفاق افتاده این است که کشورهای منطقه از پروژه ایران هراسی تأثیر یافته و برنامه‌های استراتژیک خود را در این راستا تنظیم و تدوین نموده‌اند.

۳- پیامدهای مثبت (دستاوردهای) خارجی و منطقه‌ای استکبار ستیزی

حمایت و پشتیبانی از مستضعفین جهان و جنبش‌های رهایی‌بخش در راستای رسالت استکبار ستیزی انقلاب اسلامی است. این اصل در واقع مصداق عینی حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم است؛ به عبارت دیگر، شیوه‌های استکبارستیزی دوگانه است: نخست، مبارزه با مستکبران و سلطه‌گرانی که مهم‌ترین عامل استضعاف ملل هستند، دوم، حمایت و پشتیبانی از ملت‌های مستضعف که معلول ناآگاهی از یک طرف و خشونت ساختاری نظام سلطه از طرف دیگر می‌باشد (دهقانی، ۱۳۸۹: ۱۳۳). همان‌گونه که امام خمینی (ره) فرموده‌اند، ما طرفدار مظلوم هستیم. در هرکجای دنیا باشد بر اساس این گفتمان مورد حمایت قرار می‌گیرد. از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی، عدم دخالت در امور و شئون داخلی کشورهای دیگر و احترام متقابل است. به گونه‌ای که امام (ره) می‌فرماید: «دولت اسلامی با همه ملت‌ها

و با همه دولت‌ها می‌خواهد که تفاهم و ارتباط صحیح داشته باشد، در صورتی که آن‌ها متقابلاً احترام دولت اسلامی را مراعات کنند» (امام خمینی، ۱۳۶۹: ج ۸، ۱۸).

انقلاب اسلامی بنا بر ماهیت و اهداف خود که از مکتب اسلام سرچشمه می‌گیرد، نه تنها در بعد ملی، احیاگر طرح‌ها و برنامه‌ها و نظریه‌های خاص برای حکومت و دولت‌مداری بوده است، بلکه در سطح جهانی نیز با توجه به جهان‌شمولی مکتب اسلام، افکار و نظریات خاصی دارد و مفاهیم، واژه‌ها و اصطلاحات خاص و ویژه‌ای را ابداع کرده است که برخی از آنها، خود دنیای خاصی از اندیشه‌های ناب را دربردارد. در میان این واژه‌ها و اصطلاحات نوین، می‌توان به عنوان‌هایی همچون مستضعفین، ملت‌های محروم، مستکبرین، جهان استکباری یا حاکمیت مستضعفین اشاره کرد (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۱۷)، انقلاب اسلامی، با محکوم کردن استکبار و سلطه‌جویی، حمایت خود را از مستضعفان جهان در اقصی نقاط عالم اعلام داشت. در واقع این انقلاب با طرح استکبارستیزی جهانی، نظام جدیدی را به عالم عرضه داشت که در آن، تضاد واقعی میان مستکبران از یک سو و مستضعفان جهان از سوی دیگر، به چشم می‌خورد؛ زیرا جامعه جهانی روی صلح و آشتی نخواهد دید، مگر زمانی که استکبار و مستکبران از صفحه روزگار، محو و مستضعفان بر همه جهان حاکم شوند. (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۱۷). امام خمینی (ره) از آغاز نهضت اسلامی به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره در بیانات و نوشته‌های خود، بر حمایت از محرومان و مستضعفان تأکید می‌کرد: «ملت آزاده ایران اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل‌انهایی که منطقشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است، کاملاً پشتیبانی می‌کند. ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سرتاسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم» (امام خمینی، ۱۳۶۱: ج ۱۱، ۲۵۹).

جهان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه نفوذ و تسلط تقسیم شده دو بلوک بود، در آن دوره استراتژی و راهبرد قدرت‌های برتر «شوروی و آمریکا» بر ساخت حوادث غلبه داشت. برخلاف دوره کنونی که استراتژی دولت‌ها و ملت‌ها غلبه دارد. تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جنگ‌ها مقیاس کوچکتری از درگیری این دو قدرت بود. دو قدرت درگیری خود را بصورت نیابتی اداره و هدایت می‌کردند. در این برهه خبری از جهان اسلام نبود؛ جهان اسلام نیز تقسیم شده بین این دو قدرت بود. گروهی از کشورهای متحد آمریکا و گروهی نیز با شوروی که بعد از فروپاشی مستقل شدند.

سیاست‌های دو بلوک شرق و غرب به رهبری آمریکا و شوروی، به ویژه در اواخر جنگ سرد، در خاورمیانه ناشی از تعقیب راهبرد حفظ وضع موجود بود؛ اما تلاش برای حفظ وضع موجود، به رغم تضادهای منافع هر دو بلوک در قبال مسائل موجود در خاورمیانه، تعقیب نشد. این عامل در رفتار دو کشور به ویژه در قبال جنگ عراق و ایران و اجماع دو ابرقدرت درباره نحوه برخورد با جنگ و اتمام آن مشهود بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۶۸). اما با پایان جنگ سرد، سیاست حفظ وضع موجود جای خود را به نوعی مهندسی وضعیت موجود در راستای منافع تنها ابرقدرت، یعنی آمریکا داد. آغاز جنگ خلیج فارس و حمله آمریکا به عراق در دهه ۱۹۹۰ را آغاز سیاست‌های جدید آمریکا در قبال منطقه، پس از تحولات نظام بین‌الملل، می‌دانند. زمانی که آمریکا سیاست‌های خود در نظام تک‌قطبی را بر مبنای اصول هژمونی تنظیم و تعقیب می‌کرد، خاورمیانه یکی از اولویت‌های راهبردی این کشور معرفی شد. از یک سو دستیابی به غنی‌ترین منطقه از نظر ذخایر زیرزمینی در راستای منافع این کشور و از سوی دیگر ضرورت تأمین امنیت تولید، عرضه و فرآیند انتقال انرژی به عنوان وظیفه یک هژمون در قبال متحدان و سایر کشورهای نظام بین‌الملل، حضور آمریکا را در فرآیند تحولات خاورمیانه به امری محتوم بدل کرد. واقعه ۱۱ سپتامبر بهانه لازم را برای ظهور و تعقیب این اعتقاد مذهبی - سیاسی توسط رهبران آمریکا به وجود آورد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۶۸). حمله به افغانستان و دستیابی به موفقیت‌هایی مقطعی در این کشور بیش از پیش طیف فکری مذکور را در آمریکا بی‌باک ساخت و همین عامل سبب شد حمله به عراق با هدف اعلامی مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی و در راستای ساختن کشوری دموکراتیک و پای‌بند اصول حقوق بشری «بر مبنای تعاریف غربی» به عنوان الگویی در خاورمیانه در دستور کار قرار گیرد.

خاورمیانه در این مدت به دو محور سازش و مقاومت نه تنها در موضوع اشغال فلسطین توسط رژیم صهیونیستی، بلکه تقریباً در تمام مسائل، تقسیم شده بود. ایران به عنوان کشوری کانونی در اتحاد با سوریه، حزب‌الله، حماس و در پاره‌ای موارد عراق، محور مقاومت را تشکیل می‌داد. در محور سازش نیز کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، اردن و مصر در اتحاد با آمریکا قرار داشتند. ایالات متحده آمریکا، که برخلاف راهبردهای اصلاحی نیم‌بند خود به موفقیت چندانی در راستای افزایش نفوذ خود یا تضعیف رقبا و دشمنانش در خاورمیانه دست نیافته بود، روابط خود با متحدان دیرینه‌اش در منطقه را

تقویت و با ابزارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی در راستای حفظ نظم موجود در خاورمیانه تلاش کرد. بی‌اعتنایی نسبت به ساختارهای اقتدارگرای عرب در منطقه از جمله عربستان سعودی، مصر، یمن و غیره، چشم‌پوشی از نقض حقوق بشر در این کشورها، تلاش برای دامن زدن به اختلافات میان موافقان و مخالفان آمریکا و ایجاد بلوکی برای مقابله با کشورهای مخالف آمریکا از مهم‌ترین سیاست‌های این کشور در سال‌های اخیر بوده است.

بعد از پیروزی انقلاب تحولات جدیدی در کشورهای اسلامی رخ داد. برای نمونه بیداری اسلامی وضعیت خاورمیانه را دچار تحولات اساسی کرد. خیزش مردمی به سلسله‌تغییراتی در شرایط خاورمیانه انجامید که نه تنها توسط غرب و ایالات متحده طرح‌ریزی نشده بود، بلکه این کشور را با چالشی جدی مواجه کرد. با آغاز این تحولات، گذار به مردم‌سالاری «الگوی انقلاب اسلامی» در منطقه تقویت شد و بسیاری از رهبران عرب و متحدان آمریکا جایگاه سیاسی خود را از دست دادند یا تضعیف شدند و برخی رژیم‌های عربی از ترس سرنگونی دست به اصلاحات زدند. حضور دولت‌های مردمی در قدرت زمینه را برای تقویت جایگاه گفتمان اسلام‌گرایی در برابر گفتمان سکولار و همچنین پیگیری سیاست‌هایی مستقل از منافع آمریکا در منطقه فراهم کرد. در مجموع می‌توان چنین ارزیابی کرد که نظم پیشین در خاورمیانه دچار تغییراتی جدی به زیان منافع آمریکا شد (فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۶۹). با برهم خوردن نظم پیشین در منطقه، میزان و نحوه اقدامات قدرت‌های منطقه‌ای، بین منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز تغییر کرد. در چنین شرایطی که حفظ نظم پیشین به دلیل غیرقابل پیش‌بینی بودن این تحولات برای آمریکا غیرممکن شد، این کشور تلاش کرد با مدیریت برخی از این تحولات، شرایط را برای تشکیل نظامی جدید فراهم کند. آمریکا در این برهه زمانی تلاش کرد از طریق سیاست‌های نیابتی و حمایت از برخی کشورهای منطقه، مدیریت این تحولات را بر عهده گیرد. حمایت آمریکا از عربستان سعودی در قبال مدیریت گذار قدرت از علی عبدالله صالح به معاون اول او در یمن، سکوت حمایت‌گرانه آمریکا از عربستان سعودی و آل خلیفه در سرکوب معترضان بحرینی، حمایت از ایفای نقش اخلاص‌گرایانه قطر و عربستان در تحولات لیبی و در نهایت تلاش‌های این دو کشور به نیابت از آمریکا در حمایت از شبه‌نظامیان مسلح سوریه، همگی نشان‌دهنده تلاش آمریکا برای مدیریت شرایط جدید است.

با گسترش بیداری اسلامی در منطقه، اشتباه بودن انگاره‌هایی که غرب و آمریکا در طول سالیان گذشته سیاست‌های خود را بر مبنای آنها تنظیم کرده بودند، محرز شد. این انگاره‌ها عبارت‌اند از: آمریکا می‌تواند به رژیم‌های عربی در خصوص همکاری امنیتی و ثبات در بازارهای نفت و گاز اعتماد کند، بدون اینکه خواهان اصلاحات سیاسی و اقتصادی در این کشورها باشد؛ آمریکا کنشگر اصلی عرصه تحولات خاورمیانه است و می‌تواند به راحتی با رقبا و دشمنان خود مقابله کند. طی دو سال گذشته رژیم‌های تونس، مصر، لیبی و یمن سقوط کرده‌اند و ناآرامی‌ها در بحرین ادامه دارد. آمریکا نگران گسترش این ناآرامی‌ها به عربستان سعودی، اردن، مراکش، امارات متحده عربی و کویت است که با اعتراضات مردمی مواجه بوده‌اند. آمریکا در راهبرد نوین خود تلاش می‌کند با تقویت گروه‌های افراطی، مانع به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در کشورهای دارای خیزش مردمی شود.

با توجه به خیزش‌های مردمی منطقه و مبارزه با ساختار سیاسی مستبد و فاسد (استبداد و استکبارستیزی) که هیچ‌امیدی به اصلاح و تغییر آن نبوده است، استعمارستیزی و عدم وابستگی به کشورهای خارجی به خصوص آمریکا و رژیم صهیونیستی به چشم می‌خورد. مردم معترض این کشورها به دنبال استقلال سیاسی کشور خود هستند و می‌خواهند حق تعیین سرنوشت داشته باشند. از مهم‌ترین دلایلی که موجب بروز چنین تظاهرات گسترده در کشورهای اسلامی شده تعالی‌خواهی و هویت‌طلبی است. تحقق چنین مسئله‌ای در گرو احیای اسلام اصیل است. خیزش مردم با چنین درخواستی موجب کسب و حفظ کرامت و منزلت انسانی می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۰۵). این چنین درخواست‌های عمومی و ادامه مطالبات مردم از حاکمان، نشانه‌الگوپذیری از انقلاب اسلامی بوده و شکل خاورمیانه را شبیه خاورمیانه مد نظر انقلاب اسلامی کرده است. مجموعه تحولات منطقه غرب آسیا و جهان اسلام گویای تأثیرات چهل ساله تاریخ انقلاب در حوزه نهضتی بر مسائل پیرامونی و بازتاب‌های جهانی آن است.

۴- مصادیق دستاوردهای منطقه‌ای استکبارستیزی:

۴-۱- **استکبار و مسئله فلسطین:** تغییر موضوع فلسطین از ماهیت ناسیونالیستی به مسئله اسلامی بوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، و استقرار نظام جمهوری اسلامی، امام خمینی همواره بر ضرورت دفاع از مردم مظلوم فلسطین تأکید داشته و آن را یک تکلیف دینی دانسته‌اند. در واقع

حمایت‌های ایران از لبنان، فلسطین و جنبش حماس را می‌بایست در راستای عملیاتی کردن اصول انقلاب اسلامی دانست. در این راستا عربستان و ایالات متحده تلاش دارند با دخالت در مسئله حل و فصل بحران فلسطین، جمهوری اسلامی را به چالش بکشند و از قدرت نفوذ آن بکاهند (نادری نسب، ۱۳۸۹: ۳۲۸). هدف ایران استقرار یک جامعه اسلامی با محوریت امت اسلامی است؛ حمایت ایران از حماس و گروه‌های فلسطینی سنی مذهب موجب کم رنگ شدن نقش مذهب در رابطه با این گروه‌ها و جمهوری اسلامی ایران شده است. در مقابل ایالات متحده و عربستان تلاش دارند با حمایت از گروه‌های سنی در مقابل ایران موازنه سازی کنند (جمیری، ۱۳۸۹: ۱۴۵). این در حالی است که؛ جمهوری اسلامی ایران همواره در منطقه خاورمیانه به جایگاه مردم در نقش تعیین سرنوشت خود از طریق انتخابات احترام گذاشته است.

موضع‌گیری رهبری نظام در خصوص راه حل مسئله فلسطین چنین بیان می‌شود: «ما همه‌پرسی از ملت فلسطین را پیشنهاد می‌کنیم. ملت فلسطین نیز مانند هر ملت دیگر حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند و نظام حاکم بر کشورش را برگزیند. همه‌ی مردم اصلی فلسطین، از مسلمان و مسیحی و یهودی (نه مهاجران بیگانه) در هر جا هستند؛ در داخل فلسطین، در اردوگاه‌ها و در هر نقطه‌ی دیگر، در یک همه‌پرسی عمومی و منضبط شرکت کنند و نظام آینده‌ی فلسطین را تعیین کنند. آن نظام و دولت برآمده‌ی از آن، پس از استقرار، تکلیف مهاجران غیر فلسطینی را که در سالیان گذشته به این کشور کوچ کرده‌اند، معین خواهد کرد. این یک طرح عادلانه و منطقی است که افکار عمومی جهانی آن را بدرستی درک می‌کند و می‌تواند از حمایت ملت‌ها و دولت‌های مستقل برخوردار شود. البته انتظار نداریم که صهیونیست‌های غاصب به آسانی به آن تن در دهند، و اینجاست که نقش دولت‌ها و ملت‌ها و سازمان‌های مقاومت شکل می‌گیرد و معنی می‌یابد. مهمترین رکن حمایت از ملت فلسطین، قطع پشتیبانی از دشمن غاصب است؛ و این وظیفه‌ی بزرگ دولت‌های اسلامی است» (khamenei.ir). این ایده‌ای است که بر اساس آن همه مردم فلسطین با هم برابر خواهند بود و همه از حقوق بشر و حقوق شهروندی خود در یک جامعه دموکراتیک استفاده خواهند کرد.

۲-۴- عراق و سوریه در مقابل استکبار: با حمله نظامی ایالات متحده در مارس ۲۰۰۳ رژیم بعثی سرنگون شد و به اشغال نظامی آمریکا در آمد. با اشغال عراق و رشد محور شیعه در عراق، ایران نیز نفوذ

قابل توجهی در عراق پیدا کرد. واشنگتن و متحد وی عربستان سعودی از روی کار آمدن شیعیان آن هم از طریق مردم سالاری از چند جنبه قابل تامل است الگوی مردم سالاری عربی در عراق است که به عنوان کشور عربی که الگوی انتخاب غربی در آن نهادینه شده است و از آن طریق موجب قدرت‌گیری شیعیان و روی کار آمدن افراد و گروه‌های غیر همسو با ایالات متحده منجر شده است. و از منظر دیگر روی کار آمدن اکثریت شیعی در عراق است که خود می‌تواند مسئله امنیتی‌ای را برای منطقه شیعی‌نشین شرقی عربستان سعودی به وجود آورد که منافع خود و متحدش واشنگتن را به خطر اندازد (صالحی، ۱۳۹۰: ۱۶۰). ورود نظامیان شیعی به ارتش عراق (نیروی صدر و سپاه بدر) و همچنین با روی کار آمدن حزب الدعوه و مجلس اعلی انقلاب اسلامی عراق در انتخابات ژانویه ۲۰۰۵ که از مدافعان ایران هستند، نگرانی کشورهای عربی و غربی و بخصوص واشنگتن را با چرخش یا بازگشت به ثبات‌سازی از طریق سازکارهای دموکراسی برانگیخته است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲۷۰). چرا که این امر به معنای سرآغاز نفوذ ایران در منطقه و قدرت‌گیری گروه‌ها و تشکیل رژیم‌های غیرهمسو یا ضدغربی و آمریکایی در منطقه خاورمیانه خواهد شد.

در مسئله سوریه واشنگتن راهکار سیاسی و نظامی را برای حل بحران سوریه مطرح می‌کند؛ در حالیکه؛ نقش بشار اسد در مرحله انتقال قدرت را مردم سوریه تعیین خواهند کرد. جمهوری اسلامی ایران با عنایت به اهمیت نقش و جایگاه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود به جای طرح راه‌حل سیاسی / راه‌حل نظامی که معنای آن دخالت دادن مردم برای تعیین آینده نظام سیاسی سوریه است، راه‌همواره تاکید می‌کرد. تقابل موضع‌گیری جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در قضیه سوریه که به نوعی نشان‌دهنده پایبندی ایران به راه‌حل سوری و نقش ملت سوری و عدم پایبندی آمریکا به آن است. سوریه در محور مقاومت برای امنیت جمهوری اسلامی ایران نقش محوری و حیاتی دارد. با بیرون راندن داعش از سوریه و حفظ حاکمیت سوریه از مهمترین دستاوردهای محور مقاومت در منطقه بوده و بزرگترین دستاورد امنیتی برای جمهوری اسلامی را داشت که در پرتو گفتمان انقلاب اسلامی ایران محقق شد.

۳-۴- استکبار ستیزی انصارالله یمن: رویکرد مبارزاتی انقلاب یمن و انصارالله شبه مسلحانه بوده و دارای بعد ایدئولوژیک است، البته زمانی که مبارزات انصارالله سازمان یافته نبود. تلاش این گروه‌ها برای

ساماندهی حملات و هدفمند شدن مبارزات مسلحانه بود (دغشی، ۱۳۹۴: ۱). در زمینه فرهنگ و باورهای انقلابیون یمن این موضوع است که قیام خود را بر اساس ارزش‌های اسلامی و باورهای فرهنگی و هویتی شروع کردند و با رویکرد گلدستون تطابق زیادی دارد، زیدی‌ها به این باور رسیدند که امام و رهبری برای مدیریت انقلاب باید از نسل حسین (ع)، عالم بوده و قیام به شمشیر کند، به تعبیری رهبری انقلاب یمن سه شرط رهبری که بر اساس آموزه فرهنگ و مذهب است در امام خمینی (ره) نیز دیدند (کورانی، ۱۳۸۸: ۴۱). تنها زمانی که عربستان در ۲۶ مارس ۲۰۱۵ با تشکیل ائتلافی به یمن حمله کرد؛ به این دلیل که عربستان بیم این دارد که با سقوط حکومت علی عبدالله صالح، حکومت آل سعود نیز سقوط کند (نیاکوئی، ۱۳۹۰: ۲۶۰)، آنچه در باب حاکمیت اقتدارگرای عربی منطقه مشهور است، دیگر «آل‌ها» در منطقه احساس امنیت نمی‌کنند (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۵۴). درباره مبارزات انقلابیون یمن در جنگ‌های متعدد ذکر شده و امروزه درگیری با نیروهای سعودی مشی مسلحانه انقلاب در یمن نیست. آنچه در انقلاب یمن اهمیت داشته و رهبری انقلاب تاکید دارد، حفظ ماهیت مدنی در اعتراض بود و پرهیز از برخورد مسلحانه را داشتند (مددی، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

تحولات بزرگی در جهان اسلام با محوریت انقلاب اسلامی اتفاق افتاده است، و اینکه با محوریت انقلاب اسلامی در جهان اهل سنت چه اتفاقی رخ خواهد داد. در جهان اسلام چه اتحاد عظیمی میان شیعه و سنی در مقابل غرب به وجود خواهد آمد و در نتیجه دستاوردهای امنیتی و سیاسی را به همراه دارد.

۴-۴- مقاومت اسلامی لبنان: ارتقاء جایگاه و نقش حزب الله از یک قدرت محلی و حزبی به تاثیرگذاری در سطح منطقه‌ایی و فرامنطقه‌ایی بوده است. سقوط برخی از رژیم‌های مستبد و وابسته به غرب و آمریکا، همچنین تداوم مطالبات مردمی؛ افزایش حمایت مردمی و منطقه‌ای از فلسطین و تحدید جایگاه رژیم صهیونیستی؛ قدرت‌گیری اسلام‌گرایان یا حداقل قدرت‌گیری گروه‌های غیرهمسو با غرب و آمریکا؛ سقوط سران مرتجع همسو با غرب و مخالف انقلاب اسلامی؛ ادامه اعتراضات و به هم ریختن نظم موجود منطقه و تبعات منفی حاصل از آن برای غرب، آمریکا و رژیم صهیونیستی؛ حضور توده‌های مردم، نخبگان، زنان، جوانان و همه قشرهای مردم در خیزش‌های منطقه. از جمله آنها است. با روی کار آمدن نظام سیاسی مبتنی بر فقه سیاسی تشیع در جهان اسلام و با شکل‌گیری و تداوم نظام جمهوری اسلامی شیعیان منطقه و جهان اسلام نیز فعال شدند برای نومنه شیعیان لبنان، عراق، یمن،

عربستان، تانزانیا و شیعیان نیجریه با محوریت شیخ زاکراکی از مهمترین نماد آن است که شیعیان نیجریه مورد تایید و حمایت جمهوری اسلامی نیز هستند.

نتیجه‌گیری

ماهیت ظلم ستیزی و حمایت از مستضعفان در جوهره انقلاب اسلامی قرار داشته است. انقلاب اسلامی به استکبار ستیزی مورد حمایت غرب و شرق نبوده و همواره توسط قدرت های استکباری مورد تجاوز و تهدید قرار گرفته است. انواع چالش های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی علیه ایران انجام شده و این اقدامات استکباری مانع از فعالیت انقلابی ایران نشده و بلکه دستاوردهای زیادی در تقابل با نظام سلطه و استکبار جهانی داشته است. انقلاب اسلامی با برهم زدن قالب معمول بین المللی قطب سومی به نام اسلام سیاسی و نظام عدالت محور را تاسیس کرد. اگر چه انقلاب اسلامی در طول چهل ساله خود «از پیروزی انقلاب تا بیانیه گام دوم» همواره با بحران ها و چالش های ایجاد شده توسط استکبار جهانی را تجربه کرده و همه آن بحران ها را پشت سر گذاشته و از موانع عبور کرده است.

یافته های توصیفی مقاله نشان می دهد انقلاب اسلامی از زمان پیروزی و استقرار نظام جمهوری اسلامی همواره با چالش های استکباری مواجه بوده است که مهم ترین آن نفوذ در افراد (بازرگان و بنی صدر)، ترور تئوریسین و فرماندهان عالی رتبه، ایجاد جنگ تحمیلی، کودتا، تحریم و انواع دیگری از چالش های سیاسی، امنیتی و اقتصادی را علیه ایران داشته و تاکنون نیز ادامه داده است. دستاوردهای انقلاب اسلامی در عرصه داخلی که موجب تثبیت و استقرار و تداوم انقلاب شده است که نشان از ناتوانی استکبار در مقابله با ایران بوده و از سوی دیگر دستاوردهای زیادی را در عرصه جهان اسلام و منطقه داشته است. گفتمان انقلاب اسلامی بیانگر ارائه طرح و راه جدید به ملت های استعمار زده جهان برای کسب استقلال و رهایی و ساختن جامعه آزاد و توسعه یافته است. در این میان کسب استقلال که از عناصر تشکیل دهنده ایدئولوژی انقلاب اسلامی است، یک پیش شرط لازم برای دست یابی به جامعه آرمانی مورد توجه انقلاب اسلامی است.

انقلاب اسلامی موفقیت هایی را کسب کرده است و این موضوع سبب الهام بخشی انقلاب به نهضت های اسلامی شده و بازتاب و تاثیراتی در جوامع دیگر نیز شده است. تفکر استکبار ستیزی مبتنی بر اندیشه رهبران انقلاب بر این باور است که؛ مردم زیر فشار ظلم و ستم، با سازمان دهی و بسیج مردمی علیه

استکبار و با مبارزه می‌توانند به اهداف مد نظر برسند. گفتمان انقلاب، مردم پایه بوده و هرگونه استبداد و استکبار را رد میکند. ماهیت انقلاب اسلامی استقلال از قدرت‌های غربی و شرقی بخشی از ایدئولوژی انقلاب اسلامی را تشکیل داده و ملت ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی از این دستاورد پاسداری کرده است. از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مخالفت جدی با مطامع استعماری غرب به رهبری آمریکا در دست ایران اسلامی قرار داشته و نتایج استکبار ستیزی؛ نخست، در ضعف درونی استکبار و قدرت غرب و آمریکا آشکار شده و مردم منطقه به آن آگاه شده است. دوم، سبب قدرت‌گیری مردم منطقه و مسلمانان شده و در تقابل با غرب موفق بوده‌اند. سوم، دستاوردهای منطقه‌ای و بین‌المللی انقلاب اسلامی سبب استحکام و تقویت نظام اسلامی و جمهوری اسلامی در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ۱- اسداللهی، مسعود (۱۳۹۰) «تلاش آمریکا برای انحراف حرکت بیداری اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، س ۱۱، ش ۴۷.
- ۲- اسدی علی اکبر (۱۳۹۱) «جنبش‌های مردمی در جهان عرب و تاثیرات آن در عربستان سعودی»، خاورمیانه ۹، تهران، انتشارات ابرار معاصر.
- ۳- ایزدی، بیژن (۱۳۸۱)، درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (قم)، انتشارات بوستان کتاب قم، چاپ چهارم.
- ۴- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی، تهران، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، ش ۱.
- ۵- جمیری، محمد (۱۳۸۹)، بررسی و تبیین نقش فرامنطقه‌ای ایالات متحده آمریکا در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی پس از ۱۱ سپتامبر، فصلنامه ره آورد سیاسی، ش ۲۹.
- ۶- حاجی یوسفی، امیر محمد، (۱۳۸۳)، «چارچوبی نظری برای تحلیل مذاکرات هسته‌ای ایران و سه قدرت اروپایی»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۶، بهار و تابستان.

- ۷- حسین زاده، ابوالحسن، (۱۳۸۷)، «الگوی مدیریت بحران سیاسی در سیره امام خمینی (ره) (بررسی تسخیر لانه جاسوسی)»، فصلنامه دین و سیاست، شماره ۱۷ و ۱۸، پاییز و زمستان.
- ۸- حشمت زاده، محمد باقر (۱۳۸۴)، «مقدمه و چارچوبی برای بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی»، ۱۳ نامه پژوهش، ش ۱۲.
- ۹- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۴)، ولایت فقیه و جهاد اکبر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۰- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۱- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و مهدی فرازی (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۹، ش ۲۸.
- ۱۲- شاه ولی، احمد رضا (۱۳۸۵)، انقلاب دوم: آثار و پیامدها، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۳- صالحی، حمید، (۱۳۹۰)، «ابر قدرت ها، نظام بین الملل و جنگ عراق علیه ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار.
- ۱۴- صالحی، حمید (۱۳۹۰)، مناسبات راهبردی امارات متحده عربی با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۴، ش ۱.
- ۱۵- فوزی یحیی (۱۳۸۴)، تحولات سیاسی اجتماعی پس از انقلاب اسلامی، ج ۱، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (عروج).
- ۱۶- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۱)، «گزارش اجلاس جهانی استادان مسلمان دانشگاه ها و بیداری اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، س ۱۳، ش ۵۱.
- ۱۷- قانون اساسی جمهوری اسلامی، مصوب ۱۳۵۸، با آخرین اصلاحات ۱۳۶۸.
- ۱۸- محمدی، منوچهر، (۱۳۷۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.
- ۱۹- مددی، جواد (۱۳۹۳ الف)، نقش انصارالله در رهبری تحولات یمن، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۵۸، تابستان، صفحات ۳۳-۵۶.
- ۲۰- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.

- ۲۱- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه؛ تفسیر و بررسی تازه درباره قرآن مجید، ۲۷ جلد، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- ۲۲- ملکوتیان، مصطفی، (۱۳۸۹)، «ایدئولوژی و رهبری و تأثیر آن بر پیروزی سریع، ثبات پایدار و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰ شماره ۲، تابستان.
- ۲۳- میرقادری، کیانی (۱۳۹۱)، بن مایه های ادبیات مقاومت در قرآن، دوره اول، شماره اول، تابستان.
- ۲۴- نادری نسب، پرویز (۱۳۸۹)، چالش های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، ش ۱.
- ۲۵- هری بین دان (۱۳۸۷)، دریایی از دروغ، ترجمه احمد رضا سامانی، نشریه سوره اندیشه، شماره ۳۷، فروردین و اردیبهشت.

